

گویش تودشک

همادخت همایون

واج

اوا

هجا

فعل

اشتقاق

تصريف



ژوبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

گوش تودشک

همادخت همایون



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران، ۱۳۹۶



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران، صندوق پستی ۶۴۱۹-۱۴۱۵۵، تلفن: ۳-۸۸۰۴۶۸۹۱، فکس: ۸۸۰۳۶۳۱۷

گویش تودشک

مؤلف: همدخت همایون

مدیر انتشارات: ناصر زعفرانچی

صفحه آرا: زینب جهانبان

مسئول فنی: عرفان بهار دوست

اجرای جلد: فرزانه صادقیان

ناظر چاپ: مجید اسماعیلی زارع

چاپ اول: ۱۳۹۶

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: تفرید

حق چاپ برای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی محفوظ است.

سرشناسه: همایون، همدخت، ۱۳۲۹-

عنوان و نام پدیدآور: گویش تودشک/همدخت همایون.

مشخصات نشر: تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری: پانزده، ۲۶ص.

شابک: 978-964-426-910-3

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

موضوع: تودشک(دهستان)

موضوع: زبان‌های ایرانی — گویش‌ها

موضوع: Iranian languages -- Dialects

موضوع: Tudeshk(Iran)

شناسه افزوده: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رده بندی کنگره: ۱۳۹۵ / ۸۱۵۹ / PIR۳۲۷۶

رده بندی دیویی: ۴۶۹

شماره کتابشناسی ملی: ۴۵۴۸۱۹۰

فهرست مطالب

نشانه‌های آوانویسی.....	یازده
پیش‌گفتار.....	سیزده
فصل اول: ساخت آوایی.....	۱
۱-۱ واج‌ها و واجگونه‌ها.....	۱
۱-۱-۱ همخوان‌ها.....	۱
۱-۱-۱-۱ واجگونه‌های مهم همخوان‌ها.....	۲
۱-۱-۲ واکه‌ها.....	۲
۱-۱-۳ واکه‌های مرکب.....	۳
۲-۱ خوشه‌های همخوانی.....	۴
۳-۱ حذف همخوان در مرز دو هجا.....	۸
۴-۱ ساختمان هجا.....	۹
۵-۱ واج آرایی.....	۹
۱-۵-۱ توزیع واکه‌ها در جایگاه‌های مختلف هجا.....	۹
۲-۵-۱ توزیع همخوان‌ها در جایگاه‌های مختلف هجا.....	۱۰
۶-۱ واحدهای زیر زنجیری.....	۱۱
۱-۶-۱ تکیه.....	۱۱
۲-۶-۱ درنگ.....	۱۴
۷-۱ فرایندهای آوایی.....	۱۴
۱-۷-۱ برخی تفاوت‌های آوایی با فارسی معیار.....	۱۵
۱-۱-۷-۱ تفاوت‌های واکه‌ای.....	۱۵
۲-۱-۷-۱ تفاوت‌های همخوانی.....	۲۵

۳۱	۱-۷-۲ حذف
۳۸	۱-۷-۳ اضافه
۳۸	۱-۷-۴ قلب
۳۹	۱-۸ ملاحظات در باره نقش همزه
۴۳	فصل دوم: ساخت واژه (صرف)
۴۳	۱-۲ ساخت اشتقاقی واژه
۴۳	۱-۱-۲ واژه ساده
۴۳	۱-۲-۱ واژه مرکب
۴۳	۱-۲-۳ واژه مشتق
۴۵	۲-۲ ساخت تصریفی واژه
۴۵	۱-۲-۲-۱ اسم
۴۵	۱-۲-۲-۱-۱ مفرد و جمع
۴۶	۱-۲-۲-۲ معرفه و نکره
۴۸	۲-۲-۲ ضمیر
۴۹	۱-۲-۲-۲ ضمیر شخصی
۵۱	۲-۲-۲-۲ ضمیر مشترک
۵۲	۲-۲-۲-۳ ضمیر اشاره
۵۴	۲-۲-۲-۴ ضمیر پرسشی
۵۴	۲-۲-۲-۵ ضمیر مبهم
۵۵	۲-۲-۳ عدد
۵۵	۲-۳-۱ اعداد اصلی
۵۵	۲-۳-۲ اعداد ترکیبی
۵۶	۲-۳-۳ اعداد ترتیبی (وصفی)
۵۷	۲-۳-۴ اعداد کسری
۵۷	۲-۳-۵ اعداد توزیعی
۵۷	۲-۲-۴ صفت
۵۸	۲-۴-۱ صفت توصیفی
۵۹	۲-۴-۲ صفت پرسشی
۵۹	۲-۴-۳ صفت مبهم

۶۰	 صفت عددی ۴-۴-۲-۲
۶۱	 صفت اشاره ۵-۴-۲-۲
۶۱	 صفت سنجشی ۶-۴-۲-۲
۶۱	 فعل ۵-۲-۲
۶۱	 ساخت اشتقاقی فعل ۱-۵-۲-۲
۶۵	 ساخت تصریفی فعل ۲-۵-۲-۲
۶۵	 ستاک ۱-۲-۵-۲-۲
۶۹	 مصدر ۲-۲-۵-۲-۲
۷۰	 صفت مفعولی ۳-۲-۵-۲-۲
۷۱	 شناسه‌های فعلی ۴-۲-۵-۲-۲
۷۵	 پیشوندهای فعلی ۵-۲-۵-۲-۲
۸۰	 افعال کمکی ۶-۲-۵-۲-۲
۹۴	 انواع فعل از نظر وجه و زمان ۳-۵-۲-۲
۹۴	 ساخت زمان حال افعال لازم و متعدی ۱-۳-۵-۲-۲
۹۴	 زمان حال التزامی ۱-۱-۳-۵-۲-۲
۹۵	 زمان حال ساده ۲-۱-۳-۵-۲-۲
۹۶	 زمان حال جریانی ۳-۱-۳-۵-۲-۲
۹۷	 ساخت زمان گذشته افعال لازم و متعدی ۲-۳-۵-۲-۲
۹۷	 ساخت زمان‌های گذشته افعال لازم ۱-۲-۳-۵-۲-۲
۹۷	 گذشته ساده ۱-۱-۲-۳-۵-۲-۲
۹۸	 گذشته استمراری ۲-۱-۲-۳-۵-۲-۲
۹۹	 گذشته جریانی ۳-۱-۲-۳-۵-۲-۲
۹۹	 گذشته التزامی ۴-۱-۲-۳-۵-۲-۲
۱۰۰	 گذشته نقلی ۵-۱-۲-۳-۵-۲-۲
۱۰۰	 گذشته بعید ۶-۱-۲-۳-۵-۲-۲
۱۰۱	 ساخت زمان‌های گذشته افعال متعدی ۲-۲-۳-۵-۲-۲
۱۰۱	 گذشته ساده ۱-۲-۲-۳-۵-۲-۲
۱۰۲	 گذشته استمراری ۲-۲-۲-۳-۵-۲-۲
۱۰۳	 گذشته جریانی ۳-۲-۲-۳-۵-۲-۲

۱۰۳	 گذشته التزامی ۴-۲-۲-۳-۵-۲-۲
۱۰۴	 گذشته نقلی ۵-۲-۲-۳-۵-۲-۲
۱۰۴	 گذشته بعید ۶-۲-۲-۳-۵-۲-۲
۱۰۵	 فعل امر ۳-۳-۵-۲-۲
۱۰۸	 قید ۶-۲-۲
۱۰۸	 قید زمان ۱-۶-۲-۲
۱۰۹	 قید مکان ۲-۶-۲-۲
۱۰۹	 قید حالت ۳-۶-۲-۲
۱۰۹	 قید مقدار ۴-۶-۲-۲
۱۱۰	 قید تأکید ۵-۶-۲-۲
۱۱۰	 قید نفی ۶-۶-۲-۲
۱۱۰	 قید ایجاب ۷-۶-۲-۲
۱۱۱	 قید تکرار ۸-۶-۲-۲
۱۱۱	 قید استثنا ۹-۶-۲-۲
۱۱۱	 قید تردید، تمنا و آرزو ۱۰-۶-۲-۲
۱۱۱	 قید پرسش ۱۱-۶-۲-۲
۱۱۳	 حرف ۷-۲-۲
۱۱۳	 حرف اضافه ۱-۷-۲-۲
۱۱۷	 حرف ربط ۲-۷-۲-۲
۱۲۰	 حرف ندا ۳-۷-۲-۲
۱۲۰	 اصوات ۸-۲-۲
۱۲۱	 نام آواها ۹-۲-۲
۱۲۱	 ترکیب‌های مکرر ۱۰-۲-۲
۱۲۲	 اتباع ۱۱-۲-۲
۱۲۳	 فصل سوم: نحو
۱۲۳	 ۱-۳ جمله و اجزای آن
۱۲۶	 ۲-۳ تطابق نهاد و فعل
۱۲۷	 ۳-۳ جایگاه ضمیر شخصی پیوسته
۱۳۰	 ۴-۳ انواع جمله

۱۳۰	۳-۴-۱ انواع جمله از نظر تعداد فعل
۱۳۵	۳-۴-۲ انواع جمله از نظر نوع فعل
۱۳۶	۳-۴-۳ جمله‌های بی شخص (غیرشخصی)
۱۳۶	۳-۵ توالی اجزای جمله
۱۳۸	۳-۶ گروه و انواع آن
۱۴۰	۳-۷ عبارت وصفی
۱۴۱	فهرست مصدرها و ستاک‌های حال و گذشته
۱۴۸	ضرب‌المثل‌های رایج
۱۵۳	فصل چهارم: واژه‌نامه
۱۵۳	واژه‌نامه گویش - فارسی
۲۴۱	واژه‌نامه فارسی - گویش
۳۲۵	کتابنامه

نشانه‌های آوانویسی

الف: همخوان‌ها

ق	Q,q	پ	p
غ	ɣ	ب	b
ح، هـ	h	ت	t
ل	l	د	d
ر	r	ک	k
ی	y	گ	g
	ب: واکه‌ها	ع، ء	ʔ
ای	i	م	m
ـِ	e	ن	n
ـَ	a	چ	č
آ	â	ج	ǰ
ـُ	o	ف	f
او	u	و	w,v
أو	ou	س و ص، ث	s
آی	ay	ز، ض، ظ، ذ	z
ای	ey	ش	š
آی	ây	ژ	ž
آو	âu	خ	x

دوازده گویش تودشک

اوی	uy
أی	oy
إو	eu
آو	au
آو	ao

نشانه‌های قراردادی

کشش	:،،
صفر	Ø
یا	/
نشانه واج	/ /
نشانه آوانویسی و گونه	[]
تکیه	ˈ
انتخاب آزاد	()
→	تبدیل چیزی به چیز دیگر
←	نگاه کنید به

پیش‌گفتار

تودشک از دهستان حومه بخش کوهپایه شهرستان اصفهان است. این آبادی در ۱۹ کیلومتری شمال شرق کوهپایه و ۳ کیلومتری شمال جاده شوسه اصفهان به یزد قرار گرفته، منطقه‌ای کوهستانی و معتدل دارد. محصولات این آبادی غلات، پنبه، بادام، توت است. مردم آن به زراعت اشتغال دارند. (فرهنگ جغرافیایی ایران ۲۵۳۵). جمعیت تودشک طبق آمار سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۰ بالغ بر ۴۲۲۹ نفر گزارش شده است. در این منطقه آبادی دیگری با نام تودشکچو (تودشک کوچک) وجود دارد که از روستاهای دهستان حومه بخش کوهپایه در شهرستان اصفهان است. این روستا در ۲۴ کیلومتری شمال کوهپایه، ۶ کیلومتر شمال جاده شوسه اصفهان به یزد واقع است و از مشاغل رایج در این منطقه می‌توان به زراعت گندم، جو، پنبه اشاره نمود. باغ‌های توت، سنجد و بادام نیز بخشی از درآمد اهالی را تأمین می‌کند. قالی بافی یکی دیگر از مشاغلی است که برخی از مردم روستا به آن اشتغال دارند و از این طریق امرار معاش می‌کنند. مغازه‌دارها نیز معمولاً اجناس خود را از اصفهان خریداری می‌کنند. در این روستا دبستان، دبیرستان و درمانگاه و بیمارستان وجود دارد. البته اهالی تودشک برای تحصیلات دانشگاهی به شهرهای اطراف بویژه اصفهان سفر می‌کنند.

گویش مورد بررسی در این مجموعه از گفتار اهالی تودشک گردآوری شده است. گویش تودشک هر چند از نظر آوایی تفاوت‌هایی با گویش نایین دارد اما به لحاظ ساختاری بسیار به آن نزدیک است. لذا از آنجایی که ارانسکی (۱۳۵۸: ص ۳۳۱) گویش نایین را جزء گویش‌های شمال غربی ایران طبقه‌بندی می‌نماید، می‌توان تودشکی را نیز جزء این گروه خواند. این گویش نیز مانند سایر گویش‌ها به لحاظ واژگان، صرف، نحو و ساختواره تحت تأثیر فارسی معیار است. برای مثال پسواژه -va-

به معنی "داخل" که در صورت‌های قدیمی‌تر این گویش کار برد داشته، امروز جای خود را به *tu* داده است. مثل: در خانه *tu kiya va* → *kiya va*. در واژگان این گویش نیز تأثیر فارسی معیار دیده می‌شود. این واژه‌ها در بخش واژه‌نامه ارائه شده است تا از یک سو نفوذ زبان فارسی را بر این گویش نشان دهیم و از سوی دیگر در مطالعات تطبیقی مورد استفاده قرار گیرند.

شایان ذکر است در پژوهش حاضر گردآوری داده‌ها بر مبنای کتاب راهنمای گردآوری گویش‌ها (الفبایی) و واژه‌نامه خوری (موضوعی) انجام شده است.

پژوهش حاضر علاوه بر پیشگفتار، چهار فصل را در بر می‌گیرد. فصل اول با عنوان "ساخت آوایی" ضمن معرفی واج‌های این گویش، آرایش واج‌ها در جایگاه‌های مختلف هجا، واحدهای زیر زنجیری و فرایندهای آوایی را توصیف می‌نماید. فصل دوم که به صرف (ساختواژه) اختصاص دارد ساخت اسم و فعل را توصیف می‌نماید. همچنین یکی از ویژگی‌های این گویش ساخت ارگتیو آن است که در بخش دستور مورد بررسی قرار گرفته است. در فصل سوم نحو این گویش توصیف و انواع جمله و گروه به دست داده شده است. لازم به ذکر است در پایان این بخش فهرستی از مصدرها همراه ستاک حال و گذشته آن‌ها، نیز تعدادی ضرب‌المثل رایج آورده شده است. فصل چهارم شامل واژه‌نامه است. در این فصل واژه‌نامه به دو صورت گویش به فارسی و فارسی به گویش با آوانویسی لاتین ارائه شده است. واژه‌ها حتی الامکان تقطیع ساختوازی شده‌اند و اجزاء آن‌ها با نشانه - از یکدیگر جدا شده‌اند مگر در مواردی که به لحاظ آوایی جرح و تعدیل‌هایی در آن‌ها صورت گرفته که نمیتوان اجزاء آن‌ها را از یکدیگر جدا کرد، مانند: قندان *qendân*، قندداغ *qendâq* و نیز افعالی که ستاک حال و گذشته‌شان به صورتی ترکیب شده‌اند که نمی‌توان آن‌ها را به لحاظ صورتشان از یکدیگر جدا کرد، مانند: خوابیدن *ha-ouft* و یا پختن: *paxây*. جزء اول افعالی که از ترکیب اسم یا صفت با فعل به دست آمده‌اند با فاصله از جزء فعلی جدا شده‌اند. همچنین تمام واژه‌ها با فارسی معیار مقایسه و فرایندهای آوایی آن‌ها در بخش نظام آوایی به دست داده شده است. یکی از مهمترین ویژگی‌های آوایی این گویش قرار گرفتن */a/* پایانی در برابر */e/* فارسی معیار است که در بخش تحلیل آوایی به آن اشاره شده است. در بخش واژه‌نامه گویش - فارسی، برای واژه‌هایی که دو یا چند معنی دارند و یا معنی آن‌ها روشن نیست توضیحاتی ارائه شده و به لحاظ صرفه جویی در وقت و هزینه از تکرار آن‌ها در بخش فارسی - گویش خودداری شده است. عناصر

میانجی شامل: [â, i, o, y, g, v] با حروف ایتالیک مشخص شده‌اند. همچنین پژوهش حاضر اولین مطالعه‌ای است که به توصیف گویش تودشک پرداخته است و پیش از این مقاله یا کتابی به بررسی گویش مذکور نپرداخته است. بهتر است اشاره کنیم که در این پژوهش الگوی کتاب‌هایی که پیش از این به توصیف گویش‌های ایرانی پرداخته‌اند، به ویژه کتاب‌های انتشارات پژوهشگاه، به عنوان الگوی مناسب مورد استفاده قرار گرفته است.

شایان ذکر است برای گردآوری و ضبط داده‌های گویشی، با تعدادی از اهالی روستا مصاحبه‌ای صورت گرفت و سپس از میان آن‌ها دو نفر به عنوان گویشور برگزیده شدند. این دو گویشور خانمها: فاطمه باقری (مردانی) متولد ۱۳۱۹ و شهربانو زارعی متولد ۱۳۱۲ در تودشک می‌باشند که هر دو با صرف وقت زیادی با حوصله و خوشرویی پذیرای نگارنده بودند. البته زحمت پاسخگویی به پرسش‌های بیشتر به عهده خانم فاطمه باقری بود. از این عزیزان فرهنگ دوست و زحمت‌کش که در تهیه این مجموعه مرا یاری کردند قدردانی و سپاسگزاری می‌کنم. روان‌شاد دکتر علی محمد حق‌شناس استاد گروه زبان‌شناسی دانشگاه تهران، این مجموعه را از نظر گذرانند و نکات ارزشمندی متذکر شدند. یادشان گرامی باد. از سرکار خانم معصومه دیانتی که ویرایش زبانی - ادبی این کتاب را به عهده گرفتند سپاسگزارم. نیز از جناب آقای ناصر زعفرانچی مدیر محترم بخش انتشارات و کارکنان زحمتکش آن واحد که در نشر این کتاب مرا یاری دادند تشکر می‌کنم.

همادخت همایون

فصل اول ساخت آوایی

۱-۱ واج‌ها و واجگونه‌ها

در این گویش ۲۳ همخوان و ۶ واکه به عنوان واج شناسایی شده است که ویژگی‌های آوایی آن‌ها همراه با دو واژه نمونه در زیر آمده است:

۱-۱-۱ همخوان‌ها

واج	مختصه‌های واجی	مثال
/p/	دولبی، انفجاری، بیواک، دمیده	پول pil، کرچ kop
/b/	دولبی، انفجاری، واکدار	بد خواب bedxou، کباب kobâb
/t/	دندانی، انفجاری، بیواک، دمیده	پُر mešt، باز tâk
/d/	دندانی، انفجاری، واکدار	دهلیز dâlîj، بعد ba:d
/k/	کامی، انفجاری، بیواک، دمیده	عروسک ârusak؟، آفتاب پرست kapilač
/g/	کامی، انفجاری، واکدار	گشنیز gašniĴ، زنگار Ĵeng
/ʔ/	چاکنایی، انفجاری، بیواک	آشپز âšpez؟، معلق ma?alaq
/m/	دولبی، غنه، واکدار	مادر mây، نم nem
/n/	دندانی - لثوی، غنه، واکدار	نماز nomâ، کم سو nâven
/c/	کامی - لثوی، انسدادی - سایشی، بیواک	کفگیر čemče، زالزالک guvič
/Ĵ/	کامی - لثوی، انسدادی - سایشی، واکدار	پیت Ĵalak، بینی lonĴ
/f/	لب و دندانی، سایشی، بیواک	درزدن berkuf، فشار fošâr
/v/	لب و دندانی، سایشی، واکدار	برف varf، تب tev
/s/	لثوی، سایشی، بیواک	راست râss، سرند saren
/z/	لثوی، سایشی، واکدار	دانستن zonây، آشپز âšpez؟

/ʃ/	لثوی - کامی، سایشی، بیواک	شلغم šalem، آتش ateš?
/z/	لثوی - کامی، سایشی، واکدار	اژدها eždâ?
/x/	ملازی، سایشی، بیواک	کبک xauk، غمگین barzax
/q/	ملازی، انسدادی، واکدار	قنات qonât، کلاغ qulâq
/h/	چاکنایی، سایشی، بیواک	هسته henda، چاه čah
/l/	دندانی - لثوی، کناری ناسوده، واکدار	لبو lappo، لگدمال leqermâl
/r/	دندانی - لثوی، غلتان، واکدار	آسیاب a:r، راه ra
/y/	کامی، سایشی، واکدار	لباس yom، آمدن yumey

۱-۱-۱ واج گونه های مهم همخوان ها

همخوان هایی که در بخش قبل معرفی شدند گاهی در بافت آوایی واج گونه های آنها ظاهر می شود. برخی از مهم ترین این گونه ها عبارتند از:

[ɣ] سایشی، ملازی، واکدار گونه /q/ مثال: تیغه tiɣa

[Q] ملازی، انسدادی، بیواک گونه /q/ مثال: برق barQ

[w] نیم وا که دولبی گونه /v/ است و تظاهر واجی ندارد. مثال: می خواهم muwâ

۱-۱-۲ واکه ها

واکلهای این گویش به قرار زیر است:

مثال	جایگاه و شیوه تولید	واج
آنکس ?iki، اهلی a:li?	پیشین، گسترده، بسته	/i/
انگور ?engir، جمعه Jome	پیشین، گسترده، نیم باز	/e/
آسیاب ?a:r، جاده jâda	پیشین، نیم گسترده، نیم باز	/a/
مستراح ?ulâ، امروز ?a:ru	پسین، گرد، بسته	/u/
شتر oštor، پاگشا kiya-xunon	پسین، گرد، نیمه باز	/o/
آبرو ?âbori، سوا Jivâ	پسین، گرد باز، نیمه باز	/â/

به نظر می رسد کشش واکه ای در این گویش تمایز دهنده است. واژه های زیر این تمایز دهنده گی را نشان می دهند:

di	این	pe	بابا
di:	پیدا	pe:	پی (ساختمان)

بنابراین می توان گفت واکه های کشیده /i:/ و /e:/ واج هستند.

بهتر است اشاره کنیم که در این گویش واکه های /a/ و /â/ بسته تر از فارسی معیاراند.

۱-۳-واکه‌های مرکب

در گویش تودشک واکه‌های مرکب مانند فارسی معیار در سطح آوایی وجود دارند ولی در سطح واج‌شناسی همه آن‌ها ترکیبی از یک واکه و یک همخوانند. این واکه‌ها عبارتند از:

[ây]:		[ay]:	
?âyna	آینه	?aynak	عینک
čarây	چریدن	say	صد
[ou]:		[ey]:	
?alou	شعله	?âxey	ای‌وای
bed-xou	بد خواب	bâlâ-šey	بالا رفتن
[âu]:		[uy]:	
tâun	تاوان	Ĵommuy	جنبانیدن
kâuli	کولی	kuy	کود
[eu]:		[oy]:	
?em-šeu	امشب	doy	اینجا
seuda	سبد	doynây	گذاشتن
[au]:		[ao]:	
?aur	ابر	haosele	حوصله
derauš	درفش		

شایان توضیح است جزء دوم واکه‌های [ây],[uy],[ey],[ay],[oy] یعنی [y] در ترکیب از جزء اول جدا می‌شود. مثال:

šoy	رَفتن	→	šo-yo-me	رفت و آمد
xoy	خود	→	xo-yi	خودی
sili zay	سیلی زدن	→	garmâ-za-ya	گرم‌ازده
nâm-zey	نامزد	→	nâm-ze-yi	نامزدی
kuy	سگ	→	ku-yi zard	سگ زرد
mây	مادر	→	mâ-yaš	مادرش

جزء دوم واکه‌های [eu],[au],[ou] نیز در ترکیب بصورت [v] است. مثال:

mir-ou	میراب	→	mir-ov-i	میرابی
?oftou	آفتاب	→	?oftov-i	آفتابی
?aur	ابر	→	?avri	ابری
teu	تب	→	tev ?ikere	تب می‌کند

۱-۲ خوشه‌های همخوانی

هنگامی که همخوان‌ها در یک هجا بلافاصله کنار هم قرار گیرند خوشه همخوانی تشکیل می‌شود اما در پایان هجا مشاهده می‌شود. در داده‌های این گویش خوشه همخوانی در آغاز هجا تنها در سه واژه زیر ظاهر شده است:

ble farši	سرانداز
drougar	دروگر
grou dâyi	گرو دادن

همچنین گونه دیگری از خوشه‌های دو و سه همخوانی وجود دارند که در مرز دو هجا واقع می‌شوند. در پیکره گویشی موجود خوشه‌های دو همخوانی پایانی در یک هجا شامل انواع زیر است:

<u>خوشه همخوانی</u>	<u>مثال گویشی</u>	<u>معادل فارسی</u>
[br]:	qabr	گور
[ft]:	čoft	چفت
[fš]:	kafš-duz	کفاش
[hr]:	šahr	شهر
[kr]:	šokr	شکر
[kl]:	šakl	شکل
[ks]:	mâks	ماسک
[lf]:	qolf	قفل
[lq]:	xalq	خلق
[lt]:	salt	سطل

[lg]:	valg	برگ توت
[mb]:	domb	دم
[nd]:	?esfend	اسفند
[ng]:	čeng	چنگ زدن
[nĴ]:	lonĴ	بینی
[qz]:	maqz	مخ، مغز سر
[ql]:	kem-aql	بی عقل
[rd]:	vače-merd	بچه مرد
[rf]:	varf	برف
[rĴ]:	hem-xarĴ	هم خرج
[rq]:	farq	فرق
[rz]:	sebarz	سپرز
[rg]:	gorg	گرگ
[rč]:	lurč	لوچ
[rs]:	kars	عار
[rt]:	yort	اطاق
[rm]:	karm	کرم
[rx]:	par-e čarx	پره چرخ
[rk]:	kark	مرغ
[sb]:	?asb	اسب
[sl]:	nasl	نژاد
[st]:	Ĵest	جست
[ss]:	xâk-e ross	خاک رس

[št]:	pešt	پشت
[šm]:	čašm	چشم
[šd]:	vâpušd	پوشید
[šn]:	dašn	دستلاف
[tm]:	xatm	مجلس ترحیم
[tt]:	šatt	شهد
[xf]:	vaxf	وقف
[xl]:	naxl	نخل
[xm]:	?axm	اخم
[xš]:	?ibaxš	ببخش
[xs]:	raxs	رقص
[xt]:	taxt	بینه گرمابه
[yl]:	seyl	تماشا
[ym]:	ve-teym	همدیگر
[yn]:	roteyn	رتیل
[yr]:	qeyr	غیر
[ys]:	reys	رشتن
[zn]:	hem-vazn	هموزن
[zv]:	Ĵozv	جزو

لازم به ذکر است خوشه همخوانی /rš/ فارسی در این گویش با قرار گرفتن واکه /o/ در میان آن شکسته می شود. مثال:

torš → tu-roš ترش

از سوی دیگر در ترکیب هم این خوشه همخوانی با اضافه شدن واکه /i/ در پایان خوشه شکسته می شود. مثال:

sou xâki tor-ši

سیب زمینی ترشی

در خور یادآوری است که برخی از خوشه‌های همخوانی فارسی در این گویش به صورت خوشه ظاهر نمی‌شوند. در زیر به این خوشه‌ها اشاره شده است:

الف - خوشه همخوانی /dr/. در مورد زیر /r/ پایانی حذف شده است. مانند:

duqad اینقدر

ب - خوشه همخوانی /lh/. همخوان /h/ پس از /l/ حذف می‌شود. مثال:

solh → so:l صلح

ج - خوشه‌های همخوانی /qt/, /qf/, /qs/. همخوان /q/ قبل از /t/ یا /x/ جایگزین می‌شود.

vaqt → vaxt وقت

saqf → saxf سقف

raqs → raxs رقص

یادآوری می‌شود در مورد زیر خوشه همخوانی /xt/ در ترکیب با اضافه شدن واکه /i/ از بین می‌رود. مثال:

hič-vaqt → hič-vax-ti هرگز

- خوشه‌های دو همخوانی در مرز دو هجا:

?esfend اسفند

marzine جارو

در این گویش خوشه‌های همخوانی یکسان در مرز دو هجا قرار می‌گیرند و شامل انواع زیر است:

خوشه همخوانی	مثال گویشی	معادل فارسی
[bb]	lâl abbâsi	لاله عباسی
[čč]	piričči	صدای عطسه
[dd]	qodda	دمل
[ff]	soffa	ایوان
[ĵĵ]	peĵĵa	می‌پزد
[kk]	tikka	تکه
[ll]	pella	پلکان
[mm]	tommon	تنبان
[nn]	meqanni	مقنی
[pp]	tappa	تپه
[qq]	Ĵaraqqa	جرقه

[rr]	porri	خیره چشم
[ss]	qassâb	قصاب
[šš]	kašk-e ?oššayi	کشک جوشیده
[tt]	botta	بوته
[vv]	qovve	قوه
[yy]	xayyât	خیاط
[zz]	bed-mazze	بد مزه

در تودشکی خوشه‌های سه همخوانی فقط در مرز دو هجا قرار می‌گیرند. مثال:

dast-nomâ	وضو
gušt pičây	گوشت پختن
pašm čini	چیدن پشم
lagan kašk-mâli	کشک مال

۱-۳ حذف همخوان در مرز دو هجا

حذف همخوان در مرز دو هجا هنگامی رخ می‌دهد که هجای نخست به همخوان ختم شود. این حذف را در خوشه‌های زیر مشاهده می‌نمایید.

الف - حذف /t/ در خوشه /st/، مثال:

dast + gira	→	dasgira	دستگیره در
dast + ben	→	dastbend	دستبند
dast + teng	→	dasteng	تهی دست

ب - حذف /d/ در خوشه /nd/، مثال:

tond + ter	→	tonter	تندتر
tond + ši	→	ton ši	تند می‌روی
čend + Ĵur	→	čenĴur	چند جور

ج - حذف /m/ در خوشه /šm/، مثال:

čašm+ beray	→	čašberay	چشم براه
čašm + puši	→	čašpuši	چشم‌پوشی
čašm + šur	→	čaššur	چشم شور

د - حذف /k/ در خوشه /šk/، مثال:

xošk + kerdan	→	xoš kerdan	خشک کردن
ser xošk + ko	→	ser xoš ko	سرخشک کن

۴-۱ ساختمان هجا

واحدهای آوایی طبق قواعد خاصی در کنار هم قرار می‌گیرند و واحدهای بزرگتری را تشکیل می‌دهند که به آن‌ها هجا گفته می‌شود. ساخت هجایی این گویش شامل انواع زیر است:

cv	ču	چوب
cvc	biq	بوق
cvcc	dârt	داشتن

۵-۱ واج آرایی

۱-۵-۱ توزیع واکه‌ها در جایگاه‌های مختلف هجا

توزیع واکه‌ها در هجاهای cv ، cvc و cvcc به صورت زیر است.

<u>cv</u>		<u>cvc</u>		<u>cvcc</u>	
mi	من	xin	خون	sisk	/i/ سوسک
be(na)	درخت	ser	سر	Ĵeng	/e/ زنگار
na	گلو	yak	یک	saxf	/a/ سقف
ru	روز	(?â)rus	عروس	puss	/u/ پوست
mo	من	pot	مو	lonĴ	/o/ بینی
gâ	گاو	mây	مادر	mâss	/â/ ماست
xou	خواب	Ĵoub	جواب	—	/ou/
say	صد	sayn	سنگ	—	/ay/
pey	پدر	seyl	تماشا	seyng	/ey/ سنگ
?âyno	آینه	dâyn	دادن	—	/ây/
kâu	کاهو	tâun	تاوان	—	/âu/
kuy	کود	—	—	—	/uy/
toy	توت	doyš	اینجا را	—	/oy/
teu	تب	zeur	زیر	—	/eu/
nau(ruz)	نوروز	xauk	کبک	—	/au/

۲-۵-۱ توزیع همخوان‌ها در جایگاه‌های مختلف هجا:

در بخش حاضر چگونگی توزیع همخوان‌های این گویش را به ترتیب در جایگاه آغاز، میان و پایان هجا مورد بررسی قرار می‌دهیم.

<u>-v</u>		<u>-vc</u>		<u>-vcc</u>	
ba(deli)	بدلی	bâr	بار	baxt	بخت
pa(xa)	پخته	pot	مو	ponĴ	پرز
ti	تیغ	tif	تف	taxt	تخت
di	آن	dot	دختر	?esfend	اسفند
ki(ča)	کوچه	kaš	کش	kark	مرغ
gâ	گاو	gez	گز	gart	گرد
qu(lâf)	غلاف	qâr	غار	qeyr	غیر
?o	آنجا	?ic	زالزالک	?art	آرد
mâ	ما	moš	موش	mešt	پر
nâ	نای	ner	نر	nasl	نژاد
ču	چوب	čah	چاه	čoft	چفت
Ĵi	جوع	Ĵen	زن	Ĵest	جست
fo(râr)	فرار	fut	فوت کردن	fasl	فصل
vâ	آماس	var(zax)	آشفته	varf	برف
se(dar)	استخر	ser	سر	salt	سطل
zi(li)	زالو	zâq	زاج	zeng	زنگ
ši(ved)	شود	šom	شام	šošt	شستن
—		—		—	
xi(zây)	خزیدن	xom	خام	xârt	خوردن
hi(li)	هلو	huk	هبو	honĴ	هین
lâ	لای	lev	لب	lerd	لرت
ru	روز	ron	ران	reng	رنگ
ya	یک	yal	یل	yort	اطاق

cv-		cv-c		cvc-	
cub	چوب	gabr	گور	domb	دُم :/b/
lop	لپ	topp	صدای افتادن چیزی	lâmp	لامپ :/p/
sit	سوت	xatm	مجلس ترحیم	pešt	پشت :/t/
qod(qod)	قد قد	Ĵadd	جدّ	Ĵoqd	جغد :/d/
xik	دستگاه کره گیری	mâks	ماسک	kašk	کشک :/k/
reg	رگ	—	—	čeng	چنگ :/g/
câq	چاق	maqz	مغز	halq	حلق :/q/
šo?(la)	شعله	—	—	—	:/ʔ/
šom	شام	domb	دم	karm	کرم :/m/
ron	ران	(gus)bend	گوسفند	(hem)vazn	هم وزن :/n/
mač	مگس	—	—	(več-o-)veřc	خرت خرت :/č/
tâĴ	تاج خروس	—	—	lonĴ	بینی :/Ĵ/
tif	تف	čoft	چفت	vaxf	وقف :/f/
šev	شب	—	—	—	:/v/
(?â)rus	عروس	sisk	سوسک	lams	فلج :/s/
yuz	گردو	(hem)vazn	هم وزن	maqz	مغز :/z/
goš	گوش	pešt	پشت	maqš	مشق :/š/
?eždâ	اژدها	—	—	—	:/z/
šâx	شاخ	vaxt	وقت	sorx	سرخ :/x/
kah	کاه	šahr	شهر	—	:/h/
tel	شکم	qolf	قفل	daxl	دخل :/l/
xer	خر	?art	آرد	qabr	گور :/r/
kuy	کود	seyl	سیل	—	:/y/

۱-۶ واحدهای زیر زنجیری:

۱-۶-۱ تکیه

تکیه به لحاظ آوایی عبارت است از برجستگی یک هجا نسبت به هجاهای دیگر در کلمه. عامل این برجستگی می تواند مختصات آوایی شدت، زیر و بمی یا کشش باشد